

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تطبيق مواد قانون مجازات اسلامی

سال‌های ۷۰ و ۹۲



تدوین:

امیرحسین قضائی علمداری

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: قضائی علمداری، امیرحسین، ۱۳۷۲-
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام
	Iran. Laws, etc.
عنوان و نام پدیدآور	: تطبیق مواد قانون مجازات اسلامی سال‌های ۷۰ و ۹۲/
	تدوین امیرحسین قضائی علمداری.
مشخصات نشر	: تهران: جتر دانش، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۶ ص.: جدول؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۴۴۷-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
موضوع	: حقوق جزا -- ایران
موضوع	: Criminal law -- Iran
رده بندی کنگره	: KMH۳۸۰۰
رده بندی دیویی	: ۳۴۵/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۳۹۴۲۴
وضعیت رکورد	: فیپا

نام کتاب	: تطبیق مواد قانون مجازات اسلامی سال‌های ۷۰ و ۹۲
ناشر	: جتر دانش
تدوین	: امیرحسین قضائی علمداری
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۹
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۴۴۷-۰
قیمت	: ۷۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

پیشگفتار ۵

جدول تطبیق مواد قوانین سال های ۷۰ و ۹۲ ۲۱

جدول تفصیلی مجازات ها در قانون تعزیرات سال ۷۵ ۹۷

پیشگفتار

چنان که بر خوانندگان محترم این پژوهش پیداست با گذر زمان و پیشرفت و کسب تجربه در زمینه مسائل حقوقی، خاصه موارد حقوق کیفری قانونگذار همواره سعی بر آن دارد تا با استفاده از پدیده‌ها و راهکارهای جدید روند رسیدگی‌های کیفری و آثار و نتایج آن را به عدالت نزدیک‌تر نماید. فلذا قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز از این تغییرات بی‌نصیب نمانده است. در مقایسه قوانین مجازات اسلامی سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ تغییرات و نوآوری‌هایی به چشم می‌خورد که توضیح مختصر هر یک از آنها صرفاً جهت تنویر ذهن خوانندگان محترم لازم به نظر می‌رسد.

از جمله مهم‌ترین این تغییرات و نوآوری‌ها می‌توان به اضافه شدن امکان تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی محکومان کیفری، مجازات‌های جایگزین حبس و استفاده از راهبرد مجازات‌های پلکانی «با توجه به میزان مسئولیت کیفری» در خصوص اطفال و نوجوانان و هم‌چنین ایجاد تغییراتی در خصوص چگونگی مواجهه با پدیده‌های شروع به جرم، تعدد و تکرار و اختصاص یک ماده جداگانه در خصوص اعمال قاعده در اشاره کرد.

شروع به جرم

پدیده شروع به جرم از دیر باز در تمامی نظام‌های کیفری موجود مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. قانونگذار ایران در این خصوص در سال ۱۳۷۰ اشعار می‌داشت: «هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می‌شود.» بعد از گذشت ۲۲ سال در سال ۱۳۹۲ قانونگذار ایران پدیده شروع به جرم را چنین توضیح می‌دهد: «هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند به شرح زیر مجازات می‌شود.» در این خصوص ذکر توضیحاتی هرچند خلاصه لازم به نظر می‌رسد. اول آنکه زمانی می‌توان از شروع به جرم سخن گفت که مرتکب با گذراندن سه مرحله اولیه تصمیم به جرم، تهیه مقدمات و اعمال و اقدامات مقدماتی وارد مرحله شروع به جرم شده باشد و به تصریح قانون جدید در ماده ۱۲۲ به واسطه عاملی خارج از اراده او، قصدش معلق بماند که این خود یکی از وجوه تمایز پرننگ بین دو ماده فوق‌الذکر است. توضیح آن که در قانون سابق صرف واقع نشدن جرم مد نظر قانونگذار بود اما در قانون لاحق این عدم تحقق لزوماً باید ناشی از یک عامل خارجی باشد که اراده فرد مرتکب در آن اثری نداشته باشد لذا وفق ماده ۱۲۴ قانون مجازات اسلامی که اشعار می‌دارد: «هرگاه کسی شروع به جرمی نماید و به اراده خود آن را ترک کند به اتهام شروع به جرم، تعقیب نمی‌شود. لکن اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد به مجازات آن محکوم می‌شود.» انصراف ارادی مرتکب از موجبات صدور قرار موقوفی تعقیب خواهد بود. مطلب مهم دیگر سیاق نگارش متن ۲ ماده مورد بحث است که به نظر می‌رسد با توجه به نحوه نگارش آنها قانون سابق پدیده شروع به جرم را علی‌الاصول جرم نمی‌دانست و آن را منوط به تصریح به جرم بودن عمل توسط قانون نموده بود. حال آنکه در قانون جدید این پدیده علی‌الاصول جرم شناخته شده است. نکته دیگر در خصوص نسخ

یا تخصیص شروع به جرم‌های مصرح در قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ به عنوان خاص مقدم توسط ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به عنوان عام مؤخر می‌باشد که در این خصوص بین وکلا، حقوقدانان و قضات اختلاف نظرهای بسیاری دیده می‌شود و در مقام عمل، رویه موجود در محاکم دچار تشویش و چند پارگی شده است.^۱ البته در این خصوص اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۹۶۴ مورخ ۹۲/۵/۲۶ اعلام نمود: «کلیه مقرراتی که به طور خاص برای شروع به جرم مجازات تعیین کرده است با تصویب و لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ملغی و مجازات شروع به جرم در تمام جرایم مطابق بندهای ذیل ماده ۱۲۲ با رعایت ماده ۱۰ همان قانون تعیین می‌شود.» در این خصوص لازم به توضیح است که نظریات اداره حقوقی برای محاکم صرفاً جنبه ارشادی داشته و فاقد جنبه الزامی هستند، مضافاً آن که پذیرش این نظریه به لحاظ عملی و با توجه به میزان مجازات‌های موجود در سایر مواد قانونی دستگاه عدالت کیفری را با مشکلاتی مواجه خواهد ساخت.

تعویق صدور حکم

کلمه تعویق در لغت به معنی بازداشتن، پس افکندن و عقب انداختن است. تعویق صدور حکم از جمله مواردی است که در نظام قانونگذاری کیفری کشور ما سابقه‌ای نداشته و قانونگذار در سال ۹۲ ذیل فصل پنجم از بخش دوم کتاب اول این قانون مواد ۴۰ تا ۴۵ را به آن اختصاص داده است. این مقوله در واقع امتیاز یا فرصتی است که طی آن دادگاه پس از احراز مجرمیت به فرد این اجازه را می‌دهد تا چنانچه در طول مدت مشخصی «۶ ماه تا ۲ سال» به تعهدات خود پایبند بماند و به دستورات دادگاه عمل نماید، به موجب حکم دادگاه از مجازات معاف شود. لازم به ذکر است که وفق ماده ۴۰ نهاد تعویق صرفاً در جرایم تعزیری کم اهمیت «در درجه ۶ تا ۸» کاربرد داشته و این اختیار دادگاه با مد

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به- شروع به جنایات عمدی در آیینہ آراء محاکم کیفری- پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی- امیرحسین قضائی علمداری

نظر قرار دادن ملاحظات چون وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی است که موجب ارتکاب جرم گردیده و هم چنین احراز شروط خاصی «که در ماده ۴۰ مورد تصریح قرار گرفته است» قابل استفاده خواهد بود. هم چنین در ماده ۴۱ تعویق به دو شکل ساده و مراقبتی پیش بینی شده است که در شکل ساده آن فرد صرفاً به طور کتبی متعهد می‌گردد که مرتکب جرمی نشود اما در تعویق مراقبتی فرد تعهد می‌کند دستورها و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند. از نکات مهم در خصوص نهاد تعویق صدور حکم آن است که دادگاه نمی‌تواند به صورت غیابی اقدام به صدور آن کند زیرا همان طور که ذکر شد برای صدور این قرار نیاز به اخذ تعهد از فرد خاطی می‌باشد. نکته دیگر آنکه قانونگذار در مواد ۴۲ و ۴۳ در خصوص تعویق مراقبتی تدابیر و دستوراتی را بیان داشته است که رعایت این تدابیر در تعویق مراقبتی الزامی است اما دستورات مندرج در ماده ۴۳ صرفاً جنبه اختیاری دارند. پس از آن در ماده ۴۵ قانون گذار به بیان نتیجه قرار تعویق پس از گذشت مدت آن می‌پردازد که با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه ملاحظه وضعیت او و هم چنین گزارش مددکار اجتماعی دادگاه می‌تواند به صدور حکم معافیت یا تعیین کیفر مبادرت ورزد. اما مهم ترین بحث در خصوص نهاد تعویق صدور حکم در ماده ۴۴ مورد اشاره قرار گرفته است، مواردی که موجب لغو این قرار و صدور حکم محکومیت می‌گردند و به نوعی ضمانت اجرای رعایت تدابیر و دستورات دادگاه به شمار می‌آیند.

در آخر لازم به ذکر است که نهاد تعویق صدور حکم ریشه در اندیشه‌های غربی و نظریات جرم‌شناسان واکنش اجتماعی دارد که با رویکردی تسامحی به متهم در پی دادن یک فرصت دوباره به اوست. از این رو این نهاد صرفاً در جرایم با درجه اهمیت کمتر اجازه استفاده دارد و شاید بتوان یکی دیگر از دلایل به وجود آمدن چنین نهادی در نظام قانون گذاری کشور را دور نگاه داشتن افراد بی‌سابقه و خطاکار از مجرمین حرفه‌ای و با سابقه دانست.

نظام نیمه آزادی

به مانند نهاد تعویق صدور حکم نظام نیمه آزادی نیز دارای سابقه چندانی در تاریخ قانونگذاری کشور ایران نیست و صرفاً در سال ۱۳۵۴ ماده ۵۱ آیین نامه سازمان زندان ها به طور اجمالی به آن پرداخته است. می توان گفت پیش بینی چنین نهادی در قانون مجازات اسلامی ۹۲ ذیل مواد ۵۶ و ۵۷ برای کاهش جمعیت کیفری موجود در زندان های کشور است که سعی دارد با آموزش فعالیت های حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، درمانی و مواردی از این دست حتی الامکان دوره محکومیت فرد به حبس را از حالت صرف مجازاتی خارج و به شکل اصلاحی و باز پروری تغییر دهد. از جمله موارد قابل توجه در خصوص نظام نیمه آزادی نیاز به موافقت محکوم برای اجرای این نهاد تازه تأسیس می باشد. در همین خصوص ماده ۵۷ اشعار می دارد: «در حبس های تعزیری درجه ۵ تا ۷ دادگاه صادر کننده حکم قطعی می تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارات وارد بر بزه دیده موثر است محکوم را با رضایت خود تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. هم چنین محکوم می تواند در طول تحمل دوره مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است. تبصره: مقررات این ماده در مورد حبس های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال است.»

چنان که ملاحظه میشود این نهاد نیز صرفاً در جرایم کم اهمیت «درجه ۵ تا ۷» با صلاح دید دادگاه صادر کننده حکم قطعی و در صورت گذشت شاکی، سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یکی از فعالیت های مذکور در ماده قابل استفاده است. و با اضافه شدن تبصره به شرحی که گذشت بموجب قانون کاهش مجازات های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ قانونگذار دامنه شمول استفاده

از این امتیاز را با شرط گذشت یک چهارم از مدت حبس در حبس‌های تعزیری درجات دو تا چهار به محکومان این قبیل جرایم نیز تسری داده که بدیهی است این مقررۀ وفق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی عطف بماسبق خواهد شد چرا که مساعدتر به حال محکومان خواهد بود.

مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان

از دیگر مواردی است که سابقه ای مشخص در نظام قانونگذاری کشور ایران نداشته و در سال ۹۲ وارد ادبیات حقوق کیفری ایران شده است. در این خصوص قانونگذار مواد ۸۸ تا ۹۵ فصل دهم از بخش دوم از کتاب اول این قانون را به این نهاد تازه تأسیس اختصاص داده است. مهم ترین نکات در خصوص این فصل از قانون استفاده از کلمه تصمیمات در ماده ۸۸ در خصوص اطفال و نوجوانانی است که در حین ارتکاب جرایم تعزیری سن آنها از ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی است. که این امر واجد دو نتیجه است. اول آنکه اطفال زیر ۹ سال چه دختر و چه پسر مطلقاً از مسئولیت کیفری مبری هستند و دوم آنکه رویکرد قانونگذار در اطفال و نوجوانان مذکور در ماده یک رویکرد باز پروانه و اصلاحی است نه رویکرد مبتنی بر سزا دهی و مجازات.

در ماده ۸۹ اما قانونگذار درباره نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری میشوند و سن آنها در زمان ارتکاب بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی است از کلمه مجازات استفاده کرده است که این معنی را متبادر به ذهن میسازد که حداقل سن مسئولیت کیفری در ایران چه برای دختر و چه برای پسر ۱۵ سال تمام شمسی است. البته این موضوعی است که سالها مورد مناقشه اساتید امر بوده است. و اظهار نظر قطعی درباره آن اندکی دشوار به نظر میرسد.

مطلب مهم دیگر در این قسمت استفاده از مجازات های پلکانی در برخورد با نوجوانان بوده که این امر در تاریخ قانونگذاری کشور ما بی سابقه است. ماده ۸۹ در این خصوص مجازات نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال را فارغ از جنسیت آنها با توجه به جرم ارتكابی ایشان اعلام کرده است. با این توضیح که اگر جرم ارتكابی

از جرایم تعزیری درجات یک تا سه باشد، نوجوان به دو تا پنج سال نگهداری در قانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شود. در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها از تعزیرات درجه چهار است، مدت نگهداری در قانون اصلاح و تربیت به یک تا سه سال تقلیل می‌یابد. در خصوص جرایمی که مجازات قانونی آنها از تعزیرات درجه پنج است، مدت نگهداری در قانون اصلاح و تربیت به سه ماه تا یک سال کاهش می‌یابد و یا به یک تا چهار میلیون تومان جزای نقدی و یا ۱۸۰ تا ۷۲۰ ساعت خدمات عمومی رایگان تغییر می‌یابد. در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها از تعزیرات درجه شش است، دادگاه صرفاً می‌تواند به جزای نقدی به میزان صد هزار تومان تا یک میلیون تومان یا خدمات عمومی رایگان تا ۱۸۰ ساعت حکم دهد. و در آخر در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها از تعزیرات درجات ۷ و ۸ است، دادگاه فقط می‌تواند به جزای نقدی تا صد هزار تومان حکم دهد. نکته قابل توجه آن که دادگاه تحت شرایطی می‌تواند به جای مجازات‌های موجود در ماده، به نگهداری در قانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته و یا اقامت در منزل در ساعات مشخصی حکم دهد. در آخر نیز توجه به ماده ۹۱ لازم به نظر می‌رسد که در اقدامی شایسته در خصوص جرایم موجب حد یا قصاص خود قانونگذار اقدام به کمک به متهمین نموده و اظهار می‌دارد چنانچه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال ماهیت یا حرمت عمل انجام شده را درک نکنند یا در رشد و کمال عقل آنها شبهه وجود داشته باشد از مجازات حد و قصاص مبری خواهند بود و صرفاً به مجازات‌های پیش بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.

مجازات‌های جایگزین حبس

این موارد نیز یکی دیگر از نهادهای جدیدالتأسیس در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ هستند که از ماده ۶۴ تا ۸۷ قانون را به خود اختصاص داده‌اند. این مجازات‌ها که در راستای سیاست کیفری حبس زدایی در قانون سال ۹۲ وارد شده‌اند شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، و محرومیت از حقوق اجتماعی می‌باشند. که دادگاه در غالب موارد

الزامی در حکم به این مجازات‌ها ندارد و علی‌الاصول تشخیص شایستگی فرد برای تحمل چنین مجازات‌هایی، اختیاری است که به دادگاه سپرده شده است. به طور کلی می‌توان گفت اتخاذ چنین تدبیری از سوی قانونگذار مطلوب به نظر می‌رسد چرا که با وجود چنین مقرره‌ای مجرمین جرایم کم اهمیت راهی زندان‌ها نخواهند شد و آثار و تبعات سوء آن نیز بر ایشان بار نخواهد گشت. از سوی دیگر وجود چنین اختیاری در قانون موجب کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها خواهد شد که در حال حاضر یکی از بزرگترین چالش‌های پیش روی دستگاه قضایی کشور است.

از مهمترین نکات در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس آن است که محکومان جرایم عمدی که مجازات قانونی آنها تا ۳ ماه حبس است لزوماً، محکومان جرایم عمدی که مجازات قانونی آنها از ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس است تحت شرایطی و محکومان جرایم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از ۶ ماه تا یک سال حبس است در صورت صلاحدید دادگاه به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند. در مورد مرتکبان جرایم غیر عمدی هم در صورتی که مجازات قانونی جرم ارتكابی ایشان بیش از ۲ سال حبس نباشد به این مجازات‌ها محکوم خواهند شد. راهکار بدیع دیگری که برای کم شدن جمعیت زندان‌های کشور در ماده ۶۹ پیش بینی شده آن است که محکومان جرایمی که نوع و میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند که البته این امر به علت ابهام موجود در متن ماده در خصوص اینکه کدامیک از تعزیرات مد نظر قانونگذار است، خلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها به نظر می‌رسد.

تعدد و تکرار جرم

این مباحث از جمله مواردی نیستند که در شمار نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ قرار گیرند اما قانونگذار در قانون اخیرالتصویب اصلاحاتی را در خصوص آنها اعمال داشته که اشاره به آنها لازم به نظر می‌رسد. مبحث تعدد

جرم در قانون سال ۷۰ در ۲ ماده ۴۶ و ۴۷ خلاصه شده بود حال آنکه این مبحث در قانون سال ۹۲ از ماده ۱۳۱ الی ۱۳۶ را به خود اختصاص داده است. شاید بتوان مهم ترین تغییر این مبحث در قانون جدید را در ماده ۱۳۴ قانون سال ۹۲ یافت، که بموجب قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ این تغییرات از قرار ذیل است. « ماده ۱۳۴- در تعدّد جرایم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است:

الف- هرگاه جرایم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدّد جرایم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.

ب- در مورد جرایم مختلف، هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرایم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

پ- چنانچه جرایم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک چهارم آن تعیین کند.

ت- در تعدّد جرایم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرایم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرایم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرایم با جرایم درجه شش و بالاتر، به‌طور جداگانه برای جرایم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجراء است.

ث- در هر یک از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجراء گردد، مجازات اشد بعدی اجراء می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجراء شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی

مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجراء است.

ج- در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا یک-ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند.

چ- در صورتی که در جرایم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود.

ح- هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد (۲۳) یا (۲۶) این قانون به‌عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجراء می‌شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیراُشد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده (۲۵) این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اُشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجراء می‌شود.

خ- در تعدّد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرایم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.

د- در صورتی که مجموع جرایم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدّد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود.

تبصره ۱- در صورتیکه از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، طبق مقررات فوق عمل می‌شود. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

تبصره ۲- در صورتی که مجموع جرایم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدّد جرم، اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

تبصره ۳- در تعدّد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و

حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

تبصره ۴- مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت اجراء نمی‌شود. این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردد. (حذف شده به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳) « چنان که ملاحظه می‌شود در تغییرات جدید قانونگذار علاوه بر ملاک تعدد جرایم «کمتر و بیشتر از سه جرم» از ملاک نوع جرایم ارتكابی نیز استفاده کرده است. البته این موضوع موجب بروز شبهاتی در خصوص این ماده می‌شود، برای مثال در بند الف از این ماده گفته شده: «هرگاه جرایم ارتكابی مختلف نباشند...» اما منظور از اختلاف مشخص نیست! آیا منظور اختلاف در تعزیری یا حدی بودن جرم است؟ به نظر می‌رسد با توجه به صدر ماده که اشعار می‌دارد: «در تعدد جرایم تعزیری...» پاسخ به این پرسش منفی باشد. فرض دیگر در پاسخ به این پرسش در خصوص اختلاف، اختلاف در مورد نوع تعزیرها می‌باشد. با این توضیح که فرضاً فرد مرتکب سه جرم از نوع تعزیری درجه ۵ شده که مجازات یکی حبس، مجازات دیگری جزای نقدی و مجازات آخرین جرم محرومیت از حقوق اجتماعی می‌باشد. که با چنین نگرشی منظور از واژه اختلاف در متن ماده روشن خواهد شد. نکته حائز اهمیت دیگر استفاده از نظام جمع مجازات‌ها در قانون سال ۹۲ است به طوری که در صورت تعدد جرایم موجب حد و قصاص اول حد و سپس قصاص اجرا خواهند شد مگر آن که اجرای حد موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای آن گردد. در این خصوص ماده ۱۳۳ قانون مجازات اسلامی اشعار می‌دارد: «در تعدد جرایم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لیکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است. و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجرا می‌شود.» هم چنین این نظام جمع مجازات در مورد جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ و تحقق هریک از آنها با یکی از جرایم تعزیری در

درجه ۱ تا ۶ نیز اجرا خواهد شد. مبحث تکرار جرم نیز مانند تعدد در قانون جدید دچار تغییراتی شده است این مبحث در قانون سال ۷۰ در دو ماده ۴۸ و ۴۸ مکرر مورد اشاره قرار گرفته بود. حال آنکه در قانون اخیرالتصویب مواد ۱۳۷ الی ۱۳۹ به این مبحث اختصاص یافته است.

در این خصوص ماده ۱۳۷ سال ۹۲ که بموجب قانون کاهش مجازاتهای حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ اصلاح شده، اشعار می‌دارد: «هرکس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک‌چهارم آن محکوم کند.»

چنان که از متن ماده پیداست مجازات‌های تعزیری درجات ۶ تا ۸ شامل مبحث تکرار نبوده و چنانچه در عالم خارج کسی مرتکب تکرار جرایمی با این مجازات‌ها شود از این تشدید مجازات خاص در امان خواهد بود. شاید بتوان مهم‌ترین تفاوت مبحث تکرار جرم در قوانین سالهای ۷۰ و ۹۲ را مبدأ تاریخی دانست که پس از طی آن زمان فرد در صورت ارتکاب جرمی جدید مشمول مقررات تکرار جرم نخواهد شد. توضیح آن که این تاریخ در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ «بعد از اجرای حکم» در نظر گرفته شده بود و قانونگذار محدودیتی برای آن قائل نبود. به عنوان مثال هرگاه فردی به مجازات تعزیری یا بازدارنده محکوم و کیفر مزبور را تحمل می‌نمود این سابقه کیفری تا پایان عمر برای او لحاظ شده و چنانچه مرتکب هر جرم تعزیری یا بازدارنده دیگری می‌شد دادگاه این اختیار را داشت تا مجازات را تشدید کند. اما همان‌طور که ملاحظه شد در قانون سال ۹۲ این مقرر به صورت دیگری بیان شده است توضیح آنکه اگر فردی مرتکب یکی از جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۵ گردد، تنها در صورتی مشمول مقررات تکرار جرم می‌شود که اولاً جرم ثانویه نیز یکی

از جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۶ باشد و ثانیاً این جرم ثانویه لزوماً باید در بازه زمانی قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت مذکور در ماده ۲۵ همین قانون و یا شمول مرور زمان اجرای مجازات مذکور در ماده ۱۰۷ این قانون، ارتکاب یافته باشد. فلذا چنانچه فردی بعد از تحمل مجازات و گذر زمان اعاده حیثیت و یا پس از گذشت مرور زمان اجرای مجازات مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ دیگری گردد از مقررات مربوط به تکرار جرم مبری خواهد بود. در نتیجه لازم به توضیح نیست که در خصوص مبحث تکرار جرم قانون اخیرالتصویب بسیار بیشتر به نفع محکومان به تحمل مجازات‌های تعزیری می‌باشد. نکته قابل ذکر دیگر بیان حکم خاص تکرار جرم در خصوص جرایم حدی است که احکام خاص هر یک از آنها در مبحث مورد نظر ذکر شده و توضیح آن خارج از موضوع این نوشتار می‌باشد. از دیگر نوآوری‌های ارزشمند قانون سال ۹۲ که در ماده ۱۳۸ مورد اشاره قرار گرفته است عدم شمول مقررات تکرار جرم بر جرایم سیاسی و مطبوعاتی و جرایم اطفال می‌باشد. حال آنکه در خصوص اطفال و نوجوانان ماده ۹۵ صراحتاً اشعار داشته: «محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.»

اما در خصوص جرایم سیاسی و مطبوعاتی هم این یک امتیاز بزرگ محسوب می‌گردد اگرچه که قانون نیم بند جرم سیاسی با تمام ایرادات و اشکالات اساسی که دارد، به همین فقره اخیرالذکر در ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی نیز اشاره نکرده است!

و در آخر تغییر دیگر مقررات تکرار جرم نسبت به قانون سابق حکم خاص، نحوه اعمال تخفیف مجازات در صورت تکرار جرم می‌باشد که در این خصوص ماده ۱۳۹ اصلاحی بموجب قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ اشعار می‌دارد: «در تکرار جرایم تعزیری، در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود. تبصره: چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.»

قاعده درأ

این قاعده که با عباراتی چون «تدرأ الحدود بالشبهات»، «درأ الحدود بالشبهات»، «حدود تدرأ بالشبهات» در منابع فقهی مورد بررسی قرار گرفته است در واقع از آیه ۸ سوره مبارکه نور نشأت گرفته است که می‌فرماید: «ویدرأعنها العذاب ان تشهد اربع شهادات بالله انه لمن الكاذبين» قاعده درأ در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران دارای سابقه تقنینی نبوده و رویه حاکم تا قبل از سال ۹۲ بدین شکل بوده است که با استناد به روایات معتبر در این زمینه به این قاعده استناد می‌شده است.

اما پس از سال ۹۲ و با تصویب قانون مجازات اسلامی در کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی این قاعده شکل قانونی به خود گرفت و در دو ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ ذیل مبحث ششم از فصل یازدهم کتاب اول قانون مجازات اسلامی تحت عنوان اعمال قاعده درأ مورد بحث قرار گرفت.

در این خصوص مادتهای ۱۲۰ و ۱۲۱ اشعار می‌دارند: «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه و تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.» و «در جرایم موجب حد به استثناء محاربه و افساد فی الارض، سرقت و کذب به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.»

در توضیح این مواد نکات ذیل لازم به نظر می‌رسد، در تعریف کلمه شبهه گفته شده «اشتباه درست به نادرست و اشتباه موهوم به واقع» در واقع شبهه در جایی مطرح می‌گردد که فرد امر غلط را صحیح تصور کرده و آن را انجام می‌دهد. برای مثال با تصور آن که مال غیر متعلق به اوست اقدام به فروش آن می‌نماید.

باید توجه داشت که شبهه بر دو نوع است: ۱- شبهه حکمییه ۲- شبهه

موضوعیه

شبهه حکمیه آن است که فرد حکم مورد بحث را نداند برای مثال نداند که حکم شرب خمر حرمت است و شبهه موضوعیه آن است که فرد در تطبیق حکم با موضوع دچار اشتباه شود برای مثال فرد می‌داند که حکم شرب خمر حرمت است اما در تشخیص این که مایع داخل ظرف آب است یا خمر دچار اشتباه می‌شود.

در متن این دو ماده کلمه تردید مترادف با شبهه به کار رفته و چیزی فراتر از آن را به ذهن متبادر نمی‌سازد. باید توجه داشت وفق ماده ۱۵۵ جهل به قانون مانع مجازات مرتکب نیست پس نمی‌توان جهل به قانون را از موارد شبهه دانست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای فرد ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

اطلاق ماده ۱۲۰ در برگیرنده وقوع جرم چه از ناحیه متهم چه از ناحیه هر فرد دیگری است. توضیح آن که هرگاه خود وقوع جرم یا انتساب آن به فرد متهم یا هریک از شرایطی که برای وقوع جرم لازم است مورد شبهه و تردید واقع شود، به شرط آن که دلیلی بر نفی آن شبهه و تردید یافت نشود وقوع جرم و یا هریک از شرایط مذکور ثابت نمی‌شود. در اینجا باید توجه داشت که منظور از عبارت شرایط مسئولیت کیفری، موارد مندرج ذیل مواد ۱۴۰ تا ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی می‌باشد. قانون‌گذار همچنین در ماده ۱۲۱ با اعلام شرایطی مساعدتر به حال متهم راه‌های گریز از مجازات را در جرایم حدی به استثنای محاربه افساد فی الارض، سرقت و قذف سهل‌تر نموده است. توضیح آن که در چهار جرم اخیرالذکر قاضی باید کوشش کند و اگر دلیلی بر نفی شبهه و تردید یافت نشود حکم به برائت متهم صادر کند. اما در سایر جرایم حدی صرف ادعای شبهه بدون نیاز به کوشش برای یافتن دلیل بر نفی آن، موجب انتفای مجازات خواهد بود.

تعلیق اجرای مجازات

مبحث تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ ذیل مواد ۲۵ تا ۳۷ مورد بحث قرار گرفته بود که در سال ۹۲ با تغییر قانون مجازات اسلامی دستخوش تغییراتی شد. در قانون اخیر التصویب مواد ۴۶ تا ۵۵ به این مبحث اختصاص یافته است که با توجه به نظام درجه بندی جرایم تعزیری، فقط در جرایم تعزیری درجات ۳ تا ۸ این امکان محقق است.

از مهم ترین تغییرات این مبحث آن است که علاوه بر دادگاه صادر کننده رأی، دادستان یا قاضی اجرای احکام نیز می‌توانند پس از اجرای یک سوم از مجازات از دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقاضای تعلیق اجرای مجازات را نمایند این در صورتی است که در قانون سابق این موضوع صرفاً در حوزه اختیارات دادگاه بود.

نکته مهم در قانون سابق تبصره ماده ۲۵ آن قانون بود که اشعار می‌داشت: «در محکومیت‌های غیرتعزیری و بازدارنده تعلیق جایز نیست مگر در مواردی که شرعاً و قانوناً تعیین شده باشد.» چنان که ملاحظه می‌شود ابهام این تبصره و احاله آن به شرع و قانون برای تعلیق مجازات‌های غیرتعزیری و بازدارنده، صراحتاً در تعارض با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها بود که خوشبختانه قانونگذار با حذف آن در قانون لاحق این ابهام را رفع کرده است. تغییر دیگر اضافه شدن ماده ۴۷ و جرایمی است که تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات برای ارتکاب آنها و یا شروع به ارتکاب آنها جایز دانسته نشده است. و تفاوت دیگر تقسیم بندی تعلیق اجرای مجازات به تعلیق ساده یا مراقبتی است که ذیل ماده ۴۸ مورد اشاره قرار گرفته و شرایط آن همان است که در مبحث تعویق صدور حکم مورد بحث قرار گرفت و برای پرهیز از اطاله کلام از ذکر مجدد آنها خودداری می‌گردد. سایر مباحث تعلیق اجرای مجازات دچار تغییر چندانی نشده و با اندکی مسامحه می‌توان گفت موارد موجود در قانون سال ۷۰ «باندکی تغییر» وارد قانون سال ۹۲ شده است.

جدول تطبیق مواد

قوانین سال‌های ۷۰ و ۹۲

ردیف	عنوان	ماده
۱	کتاب اول - کلیات	۲۱۶-۱
۲	بخش اول - مواد عمومی	۱۳-۱
۳	فصل اول - تعاریف	۲-۱
۴	فصل دوم - قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان	۹-۳
۵	فصل سوم - قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان	۱۱-۱۰
۶	فصل چهارم - قانونی بودن جرایم، مجازات ها و دادرسی کیفری	۱۳-۱۲
۷	بخش دوم - مجازات ها	۱۲۰-۱۴
۸	فصل اول - مجازات های اصلی	۲۲-۱۴
۹	فصل دوم - مجازات های تکمیلی و تبعی	۲۶-۲۳
۱۰	فصل سوم - نحوه تعیین و اعمال مجازات ها	۳۶-۲۷
۱۱	فصل چهارم - تخفیف مجازات و معافیت از آن	۳۹-۳۷
۱۲	فصل پنجم - تعویق صدور حکم	۴۵-۴۰
۱۳	فصل ششم - تعلیق اجرای مجازات	۵۵-۴۶
۱۴	فصل هفتم - نظام نیمه آزادی	۵۷-۵۶
۱۵	فصل هشتم - نظام آزادی مشروط	۶۳-۵۸
۱۶	فصل نهم - مجازات های جایگزین حبس	۸۷-۶۴
۱۷	فصل دهم - مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان	۹۵-۸۸
۱۸	فصل یازدهم - سقوط مجازات	۱۲۱-۹۶
۱۹	مبحث اول - عفو	۹۸-۹۶
۲۰	مبحث دوم - نسخ قانون	۹۹
۲۱	مبحث سوم - گذشت شاکی	۱۰۴-۱۰۰
۲۲	مبحث چهارم - مرور زمان	۱۱۳-۱۰۵
۲۳	مبحث پنجم - توبه مجرم	۱۱۹-۱۱۴
۲۴	مبحث ششم - اعمال قاعده درأ	۱۲۹-۱۲۰
۲۵	بخش سوم - جرایم	۱۳۹-۱۲۲
۲۶	فصل اول - شروع به جرم	۱۲۴-۱۲۲
۲۷	فصل دوم - شرکت در جرم	۱۲۵

ماده	عنوان	ردیف
۱۲۹-۱۲۶	فصل سوم - معاونت در جرم	۲۸
۱۳۰	فصل چهارم - سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته	۲۹
۱۳۵-۱۳۱	فصل پنجم - تعدد جرم	۳۰
۱۳۹-۱۳۶	فصل ششم - تکرار جرم	۳۱
۱۵۹-۱۴۰	بخش چهارم - شرایط و موانع مسئولیت کیفری	۳۲
۱۴۵-۱۴۰	فصل اول - شرایط مسئولیت کیفری	۳۳
۱۵۹-۱۴۶	فصل دوم - موانع مسئولیت کیفری	۳۴
۲۱۳-۱۶۰	بخش پنجم - ادله اثبات در امور کیفری	۳۵
۱۶۳-۱۶۰	فصل اول - مواد عمومی	۳۶
۱۷۳-۱۶۴	فصل دوم - اقرار	۳۷
۲۰۰-۱۷۴	فصل سوم - شهادت	۳۸
۲۱۰-۲۰۱	فصل چهارم - سوگند	۳۹
۲۱۳-۲۱۱	فصل پنجم - علم قاضی	۴۰
۲۱۶-۲۱۴	بخش ششم - مسائل متفرقه	۴۱
۲۸۸-۲۱۷	کتاب دوم - حدود	۴۲
۲۲۰-۲۱۷	بخش اول - مواد عمومی	۴۳
۲۸۸-۲۲۱	بخش دوم - جرایم موجب حد	۴۴
۲۳۲-۲۲۱	فصل اول - زنا	۴۵
۲۴۱-۲۳۳	فصل دوم - لواط، تفریض و مساحقه	۴۶
۲۴۴-۲۴۲	فصل سوم - قوادی	۴۷
۲۶۱-۲۴۵	فصل چهارم - قذف	۴۸
۲۶۳-۲۶۲	فصل پنجم - سب نبی	۴۹
۲۶۶-۲۶۴	فصل ششم - مصرف مسکر	۵۰
۲۷۸-۲۶۷	فصل هفتم - سرقت	۵۱
۲۸۵-۲۷۹	فصل هشتم - محاربه	۵۲
۲۸۸-۲۸۶	فصل نهم - بغی و افساد فی الارض	۵۳
۴۴۷-۲۸۹	کتاب سوم - قصاص	۵۴
۳۸۰-۲۸۹	بخش اول - مواد عمومی	۵۵

ماده	عنوان	ردیف
۲۹۵-۲۸۹	فصل اول - اقسام و تعریف جنایات	۵۶
۳۰۰-۲۹۶	فصل دوم - تداخل جنایات	۵۷
۳۱۱-۳۰۱	فصل سوم - شرایط عمومی قصاص	۵۸
۳۴۶-۳۱۲	فصل چهارم - راه های اثبات جنایت	۵۹
۳۶۷-۳۴۷	فصل پنجم - صاحب حق قصاص	۶۰
۳۷۴-۳۶۸	فصل ششم - شرکت در جنایت	۶۱
۳۸۰-۳۷۵	فصل هفتم - اکراه در جنایت	۶۲
۳۸۵-۳۸۱	بخش دوم - قصاص نفس	۶۳
۴۱۶-۳۸۶	بخش سوم - قصاص عضو	۶۴
۳۹۲-۳۸۶	فصل اول - موجب قصاص عضو	۶۵
۴۱۶-۳۹۳	فصل دوم - شرایط قصاص عضو	۶۶
۴۴۷-۴۱۷	بخش چهارم - اجرای قصاص	۶۷
۴۳۵-۴۱۷	فصل اول - مواد عمومی	۶۸
۴۳۸-۴۳۶	فصل دوم - اجرای قصاص نفس	۶۹
۴۴۷-۴۳۹	فصل سوم - اجرای قصاص عضو	۷۰
۷۲۸-۴۴۸	کتاب چهارم - دیات	۷۱
۵۴۸-۴۴۸	بخش اول - مواد عمومی	۷۲
۴۵۱-۴۴۸	فصل اول - تعریف دیه و موارد آن	۷۳
۴۵۳-۴۵۲	فصل دوم - ضمان دیه	۷۴
۴۶۱-۴۵۴	فصل سوم - راه های اثبات دیه	۷۵
۴۸۷-۴۶۲	فصل چهارم - مسئول پرداخت دیه	۷۶
۴۹۱-۴۸۸	فصل پنجم - مهلت پرداخت دیه	۷۷
۵۳۷-۴۹۲	فصل ششم - موجبات ضمان	۷۸
۵۴۸-۵۳۸	فصل هفتم - تداخل و تعدد دیات	۷۹
۷۲۸-۵۴۹	بخش دوم - مقادیر دیه	۸۰
۵۵۷-۵۴۹	فصل اول - دیه نفس	۸۱
۵۷۵-۵۵۸	فصل دوم - قواعد عمومی دیه اعضا	۸۲
۶۷۰-۵۷۶	فصل سوم - دیه مقدر اعضا	۸۳

ماده	عنوان	ردیف
۵۸۶-۵۷۶	مبحث اول - دیه مو	۸۴
۵۹۱-۵۸۷	مبحث دوم - دیه چشم	۸۵
۵۹۹-۵۹۲	مبحث سوم - دیه بینی	۸۶
۶۰۶-۶۰۰	مبحث چهارم - دیه لاله گوش	۸۷
۶۱۰-۶۰۷	مبحث پنجم - دیه لب	۸۸
۶۱۵-۶۱۱	مبحث ششم - دیه زبان	۸۹
۶۲۵-۶۱۶	مبحث هفتم - دیه دندان	۹۰
۶۲۸-۶۲۶	مبحث هشتم - دیه گردن	۹۱
۶۳۴-۶۲۹	مبحث نهم - دیه فک	۹۲
۶۴۶-۶۳۵	مبحث دهم - دیه دست و پا	۹۳
۶۵۲-۶۴۷	مبحث یازدهم - دیه ستون فقرات، نخاع و نشیمنگاه	۹۴
۶۵۷-۶۵۳	مبحث دوازدهم - دیه دنده و ترقوه	۹۵
۶۶۱-۶۵۸	مبحث سیزدهم - دیه ازاله بکارت و افشاء	۹۶
۶۶۸-۶۶۲	مبحث چهاردهم - دیه اندام تناسلی و بیضه	۹۷
۶۷۰-۶۶۹	مبحث پانزدهم - دیه پستان	۹۸
۶۷۴-۶۷۱	فصل چهارم - قواعد عمومی دیه منافع	۹۹
۷۰۸-۶۷۵	فصل پنجم - دیه مقرر منافع	۱۰۰
۶۸۱-۶۷۵	مبحث اول - دیه عقل	۱۰۱
۶۸۸-۶۸۲	مبحث دوم - دیه شنوایی	۱۰۲
۶۹۲-۶۸۹	مبحث سوم - دیه بینایی	۱۰۳
۶۹۴-۶۹۳	مبحث چهارم - دیه بویایی	۱۰۴
۶۹۶-۶۹۵	مبحث پنجم - دیه چشایی	۱۰۵
۷۰۳-۶۹۷	مبحث ششم - دیه صوت و گویایی	۱۰۶
۷۰۴-۷۰۸	مبحث هفتم - دیه سایر منافع	۱۰۷
۷۱۵-۷۰۹	فصل ششم - دیه جراحات	۱۰۸
۷۲۱-۷۱۶	فصل هفتم - دیه جنین	۱۰۹
۷۲۲-۷۲۸	فصل هشتم - دیه جنایت بر میت	۱۱۰

شماره ماده	موضوع یا عنوان ماده در ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰	شماره ماده	موضوع یا عنوان ماده در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲
۱	تعریف فصول و کتب ق.م.ا	۱	تعریف فصول و کتب ق.م.ا
۲	تعریف جرم	۲	تعریف جرم
۳	قلمرو صلاحیت قوانین جزایی	۳	قلمرو صلاحیت قوانین جزایی
۴	تعریف جرم واقع شده در ایران	۴	تعریف جرم واقع شده در ایران
۵	قلمرو صلاحیت قوانین جزایی ایران	۵	قلمرو صلاحیت قوانین جزایی ایران
۶	قلمرو رسیدگی به جرایم مستخدمان دولت اعم از ایرانی و غیر ایرانی	۶	قلمرو رسیدگی به جرایم مستخدمان دولت اعم از ایرانی و غیر ایرانی
۷	شروط رسیدگی مجدد به جرایم اتباع ایران در خارج	۷	شروط رسیدگی مجدد به جرایم اتباع ایران در خارج
۵	قلمرو صلاحیت قوانین جزایی ایران	۸	شروط رسیدگی به جرایم اتباع بیگانه در ایران
۸	رسیدگی به جرایم موضوع عهدنامه ها و مقررات بین المللی	۹	رسیدگی به جرایم موضوع عهدنامه ها و مقررات بین المللی
۱۱	قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان	۱۰	قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان
۱۱	قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان	۱۱	لزوم رسیدگی در برخی موارد طبق قانون لاحق
۱۱	قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان	۱۲	پیش بینی جرم در قانون یا قانونی بودن جرایم
۵۸	ضرری که به موجب اشتباه یا تقصیر قاضی وارد گردد	۱۳	حکم به مجازات در محدوده قانون
۱۲	مجازات های مقرر در قانون سال ۱۳۷۵	۱۴	مجازات های مقرر در قانون سال ۱۳۹۲
۱۳	تعریف حد	۱۵	تعریف حد

شماره ماده	موضوع یا عنوان ماده در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲	شماره ماده	موضوع یا عنوان ماده در ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰	شماره ماده
۱۴	تعریف قصاص	۱۶	تعریف قصاص	۱۴
۱۵	تعریف دیه	۱۷	تعریف دیه	۱۵
۱۷، ۱۶	تعریف تعزیر و مجازات بازدارنده	۱۸	تعریف تعزیر و مجازات بازدارنده	۱۷، ۱۶
	درجه - تقسیم بندی مجازات های تعزیری	۱۹	ندارد	
	مجازات اشخاص حقوقی	۲۰	ندارد	
	میزان جزای نقدی اشخاص حقوقی	۲۱	ندارد	
	شروط انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن	۲۲	ندارد	
۱۹	مجازات های تکمیلی	۲۳	مجازات های تکمیلی	۱۹
۲۰	شروط تشدید یا تخفیف مجازات تکمیلی	۲۴	شرایط تشدید مجازات تکمیلی	۲۰
۶۲مکرر	مجازات های تبعی	۲۵	مجازات های تبعی و حقوق اجتماعی	۶۲مکرر
۶۲مکرر	حقوق اجتماعی	۲۶	مجازات های تبعی و حقوق اجتماعی (تبصره یک)	۶۲مکرر
۱۸	نحوه تعیین و اعمال مجازات	۲۷	تاریخ شروع محاسبه مدت حبس	۱۸
۲۱	تعدیل مجازات نقدی با توجه به نرخ تورم	۲۸	ترتیب اجرای احکام جزایی	۲۱
۲۶	نحوه اعمال مجازات بازداشت بدل از جزای نقدی	۲۹	غیر قابل تعلیق بودن جزای نقدی	۲۶
۱۷	استثناء بر اصل ۲۸ قانون اساسی	۳۰	مجازات بازدارنده	۱۷
۱۹	منع از رانندگی - از مصادیق مجازات های تکمیلی مندرج در بند ث ماده ۲۳ ق.م.ا	۳۱	مجازات های تکمیلی	۱۹

شماره ماده	موضوع یا عنوان ماده در ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰	شماره ماده	موضوع یا عنوان ماده در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲
۱۹	مجازات های تتمیمی	۳۲	منع صدور چک - از مصادیق مجازات های تکمیلی مندرج در بند ج ماده ۲۳ ق.م.ا
۱۹	مجازات های تتمیمی	۳۳	منع حمل اسلحه مجاز - از مصادیق مجازات های تکمیلی مندرج در بند ج ماده ۲۳ ق.م.ا
۱۹	مجازات های تتمیمی	۳۴	منع خروج از کشور - از مصادیق مجازات های تکمیلی مندرج در بند ج ماده ۲۳ ق.م.ا
۱۹	مجازات های تتمیمی	۳۵	اخراج بیگانگان از کشور - از مصادیق مجازات های تکمیلی مندرج در بند خ ماده ۲۳ ق.م.ا
۱۹	مجازات های تتمیمی	۳۶	شروط انتشار حکم در روزنامه محلی یا کثیرالانتشار - از مصادیق مجازات های تکمیلی مندرج در بند س ماده ۲۳ ق.م.ا
۲۲	تخفیف مجازات و جهات مخففه	۳۷	نحوه تخفیف مجازات
۲۲	تخفیف مجازات و جهات مخففه	۳۸	جهات تخفیف
۲۴	عفو یا تخفیف مجازات محکومان	۳۹	شروط صدور حکم به معافیت از کیفر
۲۲	تخفیف مجازات و جهات مخففه	۴۰	شروط تعویق صدور حکم
	ندارد	۴۱	انواع تعویق
	ندارد	۴۲	تدابیر تعویق مراقبتی
۲۹	دستور های دادگاه در مدت تعلیق و شرایط لغو و تشدید تعلیق	۴۳	دستورات همراه با تعویق مراقبتی
۳۳، ۲۹	تبصره ماده ۲۹ ق.م.ا ۷۰- ضمانت اجرای ماده ۳۲ ق.م.ا ۷۰	۴۴	شرایط لغو قرار تعویق

شماره ماده	موضوع یا عنوان ماده در ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰	شماره ماده	موضوع یا عنوان ماده در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲
۳۲	شرایط محو شدن محکومیت تعلیقی از سجل کیفری محکوم	۴۵	تصمیمات دادگاه بعد از گذشت مدت قرار تعویق
۲۵ تا ۲۸	شرایط تعلیق مجازات- غیر قابل تعلیق بودن جزای نقدی- نحوه صدور قرار تعلیق- تعیین مدت تعلیق	۴۶	شرایط قانونی تعلیق مجازات
۲۵، ۲۶، ۳۰، ۳۶	شرایط تعلیق مجازات- غیر قابل تعلیق بودن جزای نقدی- احکامی که قابل تعلیق نیستند- موارد عدم امکان اجرای مقررات تعلیق	۴۷	موارد عدم امکان صدور قرار تعلیق و تعویق
۲۹	دستور های دادگاه در مدت تعلیق و شرایط لغو و تشدید قرار تعلیق	۴۸	انواع تعلیق مجازات
۲۷	نحوه صدور قرار تعلیق	۴۹	نحوه صدور قرار تعلیق اجرای مجازات
۲۹	دستور های دادگاه در مدت تعلیق و شرایط لغو و تشدید قرار تعلیق	۵۰	شرایط تشدید و لغو قرار تعلیق اجرای مجازات
۳۱	تأثیر تعلیق بر حق الناس	۵۱	تأثیر تعلیق بر حق مدعی خصوصی
۳۲	شرایط محو شدن محکومیت تعلیقی از سجل کیفری محکوم	۵۲	شرایط بی اثر شدن محکومیت تعلیقی
۳۲	مطابق با تبصره ماده ۵۳ ق.م.ا ۹۲	۵۳	نحوه محاسبه مدت زمان تعلیق
۳۵، ۳۳	ضمانت اجراهای ماده ۳۲ ق.م.ا	۵۴	ضمانت اجرای ماده ۵۲ ق.م.ا
۳۶، ۳۴	موانع صدور قرار تعلیق	۵۵	شرایط در صورت تعدد قرار تعلیق
۳۸	آزادی مشروط و شرایط تشدید آن	۵۶	تعریف نظام نیمه آزادی
۳۹	شرایط اجرای آزادی مشروط	۵۷	شرایط اجرای نظام نیمه آزادی

شماره ماده	موضوع یا عنوان ماده در ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰	شماره ماده	موضوع یا عنوان ماده در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲
۳۹، ۳۸	آزادی مشروط و شرایط تشدید آن - شرایط اجرای آزادی مشروط	۵۸	شرایط نظام آزادی مشروط
۴۰	مدت زمان آزادی مشروط	۵۹	مدت زمان آزادی مشروط
۳۸	آزادی مشروط و شرایط تشدید آن	۶۰	صلاحیت دادگاه برای صدور دستور های مندرج در قرار تعویق حین آزادی مشروط
۳۸	آزادی مشروط و شرایط تشدید آن	۶۱	شرایط تشدید مدت زمان آزادی مشروط
	ندارد	۶۲	شرایط استفاده از سامانه الکترونیکی
	ندارد	۶۳	زمان لازم الاجرا شدن نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط
	ندارد	۶۴	مصادیق مجازات های جایگزین حبس
	ندارد	۶۵	تکلیف دادگاه در اعمال مجازات جایگزین حبس
	ندارد	۶۶	موانع اجرای مجازات جایگزین حبس
	ندارد	۶۷	ممنوعیت از اعمال مجازات جایگزین حبس
	ندارد	۶۸	اعمال مجازات جایگزین حبس در مورد جرایم غیر عمدی
	ندارد	۶۹	لزوم اعمال مجازات جایگزین حبس در مواردی که میزان تعزیر آنها در قانون پیش بینی نشده
	ندارد	۷۰	لزوم تعیین مدت مجازات حبس علاوه بر مجازات جایگزین حبس